

شی جین پینگ: «میان صلح یا جنگ، گفت‌وگو یا تقابل»!

بهرام رحمانی

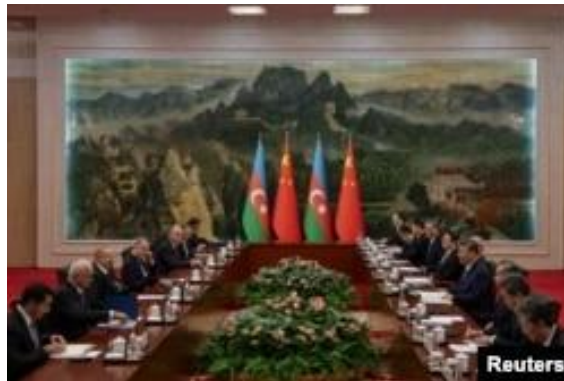
bahram.rehmani@gmail.com

بیست و پنجمین نشست سران سازمان همکاری شانگهای روز یک‌شنبه ۹ شهریور ۱۴۰۴، در شهر تیانجین چین آغاز شد؛ نشستی که با حضور ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، و نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، در کنار شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، به صحنه‌ای برای نمایش همگرایی «جنوب جهانی» در برابر فشارهای غرب بدل شده است.

شی جین‌پینگ در ضیافت افتتاحیه نشست سران سازمان همکاری شانگهای اعلام کرد که این اجلاس با هدف «ایجاد اجماع، گسترش همکاری و ترسیم نقشه راه توسعه» برگزار می‌شود.

او همچنین افزود که سازمان همکاری شانگهای «به نیروی مهم در ارتقای نوعی جدید از روابط بین‌الملل» بدل شده است.

وی تاکید کرد که این نشست در برهه‌ای حساس برای ثبات جهانی برگزار می‌شود و رهبران حاضر وظیفه مهمی در حل اختلاف‌ها و پیش‌برد راهکارهای توسعه بر عهده دارند.



محل برگزاری نشست شانگهای. یک‌شنبه ۹ شهریور ۱۴۰۴

پوتین در یک سفر کم‌سابقه چهارروزه با استقبال رسمی و فرش قرمز وارد چین شد. رسانه‌های دولتی چین و روسیه این حضور را نشانه‌ای از «بهترین دوران روابط دو کشور در تاریخ» توصیف کرده‌اند. پوتین پیش از سفر در مصاحبه‌ای کتبی با خبرگزاری شینهوا بار دیگر تحریم‌های غرب را محکوم کرد و گفت مسکو و پکن مشترکاً با «تحریم‌های تبعیض‌آمیز» مقابله می‌کنند.

مودی نخست‌وزیر هند نیز پس از هفت سال برای نخستین بار به چین سفر کرده است. او در دیدار با شی جین‌پینگ تاکید کرد که دهلی‌نو به بهبود روابط با پکن متعهد است و این روابط نباید از دریچه «کشور سوم» دیده شود. به گفته مودی، فضای «صلح و ثبات» در مرزهای مورد مناقشه هیمالیا ایجاد شده و دو طرف درباره مدیریت مرزی به توافق رسیده‌اند. این در حالی است که در سال ۲۰۲۰ درگیری‌های مرزی خونین میان دو کشور روابط را به بن‌بست کشانده بود.

دو رهبر آسیایی، هم‌چنین بر ضرورت گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری تاکید کردند. چین بزرگ‌ترین شریک تجاری هند است اما کسری تجاری بی‌سابقه ۹۹ میلیارد دلاری برای دهلی‌نو به بار آورده است. هم‌زمان، آمریکا با اعمال تعرفه‌های ۵۰ درصدی بر کالاهای هندی به دلیل خرید نفت روسیه فشار تازه‌ای بر هند وارد کرده و همین امر تلاش مودی و شی برای ارائه جبهه‌ای مشترک در برابر واشنگتن را پررنگ‌تر کرده است.

شی جین‌پینگ در گفت‌وگو با مودی تصریح کرد که «مسائل مرزی نباید کل روابط چین و هند را تعریف کنند» و روابط دو کشور می‌تواند «با ثبات و راهبردی» باشد اگر هر یک دیگری را شریک و نه رقیب بدانند. به گفته منابع هندی، پروازهای مستقیم میان دو کشور پس از پنج سال تعلیق دوباره برقرار خواهد شد و محدودیت‌های روادید گردشگری نیز لغو شده است.

نشست سازمان همکاری شانگهای این بار بزرگ‌ترین گردهمایی این نهاد از زمان تاسیس در سال ۲۰۰۱ است و رهبران نزدیک به ۲۰ کشور از آسیای مرکزی، خاورمیانه، آسیای جنوبی و جنوب‌شرقی در آن حضور دارند. این سازمان که ابتدا با تمرکز امنیتی شکل گرفت، اکنون حوزه‌های همکاری اقتصادی و نظامی را نیز در بر گرفته است.

چین قصد دارد این اجلاس را به عنوان الگویی از یک نظم جهانی «پساآمریکایی» معرفی کند و در عین حال جایگاه بین‌المللی روسیه را -با وجود جنگ اوکراین و تحریم‌های غرب- تقویت نماید.

در شرایطی که واشنگتن طی دهه‌ها روی نزدیکی استراتژیک با دهلی‌نو سرمایه‌گذاری کرده بود تا از آن به‌عنوان وزنه‌ای در برابر چین استفاده کند، دیدارهای اخیر مودی و شی و همگرایی آشکار آن‌ها با پوتین نشان می‌دهد که هند نیز در حال بازتعریف موقعیت خود میان دو بلوک جهانی است.



برای جمهوری اسلامی، این اجلاس فرصتی است تا از اهرم‌های دیپلماتیک برای مهار تهدید و کاهش فشار بهره‌برد. تهران که زیر بار تحریم‌ها و خطر فعال شدن مکانیسم ماشه گرفتار مانده، بیش از هر زمان دیگری چشم به پکن و مسکو دوخته است. پزشک‌های ایران، ۹ شهریور ۱۴۰۴ وارد تیانجین شد تا در مهم‌ترین گردهمایی سران سازمان همکاری شانگهای از بدو تاسیس این سازمان شرکت کنند؛ اما نرسیدن او به مراسم شام و عکس خانوادگی این مراسم، زمینه‌ساز اولین انتقاد جدی به وی بود. حضور با تاخیر وی در این مراسم در حالی بود که پزشک‌های ایران پیش از پرواز اعلام کرده بود که این نشست «ظرفیتی کم‌نظیر برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای» دارد و تأکید کرده بود حضور تهران در شانگهای تلاشی برای تقویت چندجانبه‌گرایی در برابر یک‌جانبه‌گرایی غرب است. اما حضور «مسعود پزشک‌های ایران»، رئیس‌جمهور ایران، پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل، در یک نشست بین‌المللی بزرگ، شرکت می‌کند؛ باید به افکار عمومی داخل نشان دهد ایران مزوی نشده و همچنان می‌تواند در کنار قدرت‌های جهانی دیده شود؛ از سوی دیگر، باید راهی برای برون‌رفت از بحران‌های متعدد کشور بیابد. باین‌حال، ظاهراً تهران در این نشست هدفی جز جلب همراهی چین برای خود ترسیم نکرده است؛ کشوری که هرچند مهم‌ترین خریدار نفت ایران است اما در سرمایه‌گذاری مستقیم و همکاری امنیتی با احتیاط عمل می‌کند. تضاد میان نیاز فوری تهران و حسابگری محتاطانه پکن، آینده این سفر را بیش از آن که روشن کند، به عرصه‌ای از ابهام بدل کرده است.

اما در تهران، آنچه از این سفر خواسته می‌شود، بیش از این است. حساب‌رسمی رهبر جمهوری اسلامی با بازنشر سخن پیشین، یادآور شد: «ایران و چین با سابقه کهن تمدنی در دو سوی آسیا، قدرت تحول‌آفرینی در صحنه منطقه‌ای و جهانی را دارند. عملیاتی نمودن تمامی ابعاد توافق راهبردی، این راه را هموار می‌کند.» تأکید «سیدعلی خامنه‌ای» در حالی انجام شد که «محسن قمی» نماینده وی نیز در مراسم بدرقه پزشک‌های ایران حضور داشت و پیش از رفتن وی استخاره کرد.

این پیام عملاً نشان می‌دهد که این سفر بیش از هر چیز بر روابط دوجانبه ایران و چین متمرکز است و نه بر ۲۸ کشور دیگر حاضر در این نشست. همین تمرکز را «محمد رضا عارف»، معاون اول رئیس‌جمهور، هم آشکارا بیان کرد. او گفت: «شرکت در اجلاس شانگهای فرصت و زمینه خوبی برای دیدارهای دوجانبه با مقامات ارشد چینی فراهم می‌کند و توسعه و تحکیم روابط تهران-پکن و تقویت همکاری‌های گذشته با توجه به اشتراکات فراوان فرهنگی و تاریخی دو دولت و ملت در دستور کار دو کشور قرار دارد.»

این تأکید ایران از میان همه کشورهای موجود در این نشست بر چین بدون این که دو کشور در پس از جنگ یک گردهمایی دوجانبه برگزار کنند قابل توجه است. جنگ در مناسبات دو کشور از آن جهت اهمیت دارد که چین در بحبوحه تنش همکاری‌ای امنیتی با ایران نداشت اما پس از جنگ وضعیت متفاوت شده است. برخی رسانه‌های اسرائیلی مدعی شدند چین در حال «بازسازی زرادخانه موشکی ایران» است؛ ادعایی تأیید نشده اما معنادار، زیرا تهران نیاز فوری به بازسازی توان بازدارندگی خود دارد.

همکاری‌های نظامی ایران و چین سابقه‌ای طولانی دارد؛ از دهه ۱۹۸۰ در حوزه موشکی آغاز شد و هیچ‌گاه به‌طور کامل متوقف نشد. چینی‌ها به‌ویژه در زمینه تأمین قطعات پیش‌ران و سامانه‌های هدایت‌گر موشک‌ها و پهپادهای ایران نقش کلیدی داشته‌اند و حتی وزارت خزانه‌داری آمریکا در آوریل ۲۰۲۵ چند شرکت چینی را به اتهام تأمین مواد پیش‌ران سوخت جامد برای سپاه تحریم کرد. اکنون نیز با تضعیف ظرفیت روسیه به دلیل جنگ اوکراین، این ظرفیت صنعتی چین است که بیش از هر کشور دیگری می‌تواند نیازهای نظامی ایران را پاسخ دهد.

سفر پزشک‌های ایران به شانگهای را نمی‌توان جدا از وابستگی ایران به فروش نفت خود به چین دانست. رویترز پیش از این گزارش داده بود که حدود ۹۰ درصد صادرات نفت ایران راهی بازار چین می‌شود؛ سهمی که ایران را به یکی از سه تأمین‌کننده اصلی نفت این کشور بدل کرده

است، هرچند بخش قابل توجهی از آن با برچسب «مالزی» یا کشورهای ثالث وارد می‌شود؛ اما این صادرات به واسطه تخفیف‌های تهران به دست آمده است.

در آبان ۱۴۰۲، رویترز گزارش داد ایران طی ۹ ماه، ۴/۲ میلیارد دلار تخفیف در فروش نفت خود به چین داده است. برآوردها نشان می‌دهد ایران برای فروش نفت به چین، هر بشکه را با تخفیفی میان ۶ تا ۱۲ دلار عرضه می‌کند. با صادرات روزانه حدود ۱/۴ میلیون بشکه، این تخفیف معادل ۸/۴ تا ۱۶/۸ میلیون دلار در روز است. ادامه این روند در طول یک سال می‌تواند بیش از شش میلیارد دلار از درآمدهای ایران بکاهد؛ رقمی سنگین برای اقتصادی بحران‌زده اما ناچیز برای اقتصاد عظیم چین. همین عدم توازن باعث شده پکن در صورت بازگشت تحریم‌ها، بتواند به راحتی جایگزین دیگری برای نفت ایران پیدا کند و تهران را در موقعیتی شکننده نگه دارد. با وجود این میزان تخفیف و تجارت نسبتاً بی‌رمق میان دو کشور، جمهوری اسلامی تلاش دارد رابطه با چین را رابطه‌ای به سوی «راهبردی» شدن معرفی کند. «علی شمخانی»، عضو شورای عالی امنیت، هم‌زمان با سفر پزشک‌های ایران می‌گوید: «اکنون با سفر رییس‌جمهور به پکن و تأکید رهبری بر فعال شدن توافق ایران و چین، فرصت‌های مهمی برای گشایش گره‌های راهبردی جدید ایجاد شده است.» اما واقعیت آن است که با وجود امضای توافق ۲۵ ساله در فروردین ۱۴۰۰، تاکنون قرارداد مشخصی ذیل آن تعریف نشده و سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران بسیار ناچیز بوده است. روزنامه «فرهیختگان»، نزدیک به هسته سخت قدرت، در اسفند ۱۴۰۳ با صراحت نوشته بود چهار سال پس از امضای قرارداد، نتیجه ملموسی از این توافق به دست نیامده و احتمالاً هم یادآوری رهبر جمهوری اسلامی به همین خاطر است.

«محمد کشاورز زاده»، سفیر پیشین ایران در چین، ریشه مشکل بین دو کشور را تحریم‌ها، بروکراسی و نبود برنامه‌ریزی روشن در دستگاه‌های ایرانی می‌داند. او هشدار می‌دهد نگاه جناحی و تبلیغات منفی علیه چین به روابط آسیب می‌زند و تأکید می‌کند تهران باید از ظرفیت‌های پکن بر اساس منافع ملی استفاده کند؛ اما محدودیت‌های چین نیز جدی است. این کشور در حوزه سرمایه‌گذاری و کمک نظامی به ایران محتاطانه عمل کرده، چراکه نمی‌خواهد روابط خود با آمریکا و اسرائیل را به خطر بیندازد.

«آلبرت بغزیان»، اقتصاددان، می‌گوید بهترین دستاورد سفر پزشک‌های ایران می‌تواند تضمین مخالفت چین با تمدید مکانیسم ماشه در شورای امنیت باشد. او تأکید دارد وزارت اقتصاد باید با چین سازوکارهای جایگزین بانکی طراحی کند تا حتی در صورت تشدید فشارها، مسیر پرداخت پول نفت و واردات کالا مسدود نشود. «محمدحسین عدلی»، دیپلمات پیشین، هم معتقد است نقش چین در جلوگیری از اجرای اسنپ‌یک حیاتی است؛ اگر پکن همراه با مسکو موضع قاطع بگیرد، ایران می‌تواند مانع اجماع جهانی علیه خود شود.

پزشک‌های در نشست خبری ۷ شهریور خود تأکید کرده بود: «مشکلاتی که امروز با آن مواجه هستیم، بخش عمده‌اش زاییده تحریم‌هاست. هیچ‌کس نگفته تحریم‌ها بی‌تأثیرند.» بسیاری در ایران، فعال شدن مکانیسم ماشه را تهدیدی جدی علیه آینده اقتصاد می‌دانند. در برابر این نگرانی، شورای عالی امنیت ملی به رسانه‌ها دستور داده است تا برای «حفظ آرامش روانی جامعه» از انتشار تیرها و تحلیل‌های «هیجانی»، «بحران‌زا» یا «تحریک‌آمیز» خودداری کنند. باین حال، فضای عمومی نشان می‌دهد که این موضوع به یک نگرانی جدی جمعی بدل شده است؛ تا جایی که بخش عمده تحلیل‌ها و انتظارات از سفر پزشک‌های ایران، حول همین مسئله شکل گرفت.

«ابوالفضل ظهروهوند»، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، فعال شدن این مکانیسم را بر وضعیت فعلی ایران بی‌اثر می‌داند و می‌گوید ایران پیش‌تر نیز در برابر تحریم‌ها ایستاده است؛ اما او به دنبال راه‌خنی‌سازی فشارها بر روی ایران است و به همین خاطر راه‌حل مقابله با مکانیسم ماشه را افزایش روابط با چین و روسیه و تقویت اقتصاد داخلی معرفی می‌کند. «بابک نگاهداری»، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس، پا را فراتر می‌گذارد و می‌گوید در صورت فعال شدن ماشه، پکن و مسکو می‌توانند اجرای آن را تضعیف کنند، برای مثال با جلوگیری از تصویب بودجه‌های نظارتی شورای امنیت و در سطح سیاسی نیز موضع منفی نسبت به اقدام اروپایی‌ها خواهند گرفت که به کاهش اجماع بین‌المللی علیه ایران می‌انجامد. رویکردی که بیشتر شبیه آرزو اندیشی است.

«منوچهر متکی»، نماینده مجلس و وزیر پیشین خارجه نیز می‌گوید: «اگر تهدید ایران به خروج از پیمان NPT جدی گرفته شود، احتمال انعطاف و انصراف طرف غربی وجود دارد» و تأکید می‌کند دولت باید سریعاً این مسیر را اعلام کند تا از فرصت ۹۰ روزه بازگشت استفاده شود. او که تهران را به خروج از یک نهاد بین‌المللی تشویق می‌کند، توصیه می‌کند: «روسیه و چین ضمن درک شرایط ایران نقش سازنده‌ای در ایجاد انعطاف بین طرفین ایفا کنند و توجه داشته باشند که ایران خروج از این معاهده را صرفاً برای پایان دادن به بازی کثیف ۲۲ ساله آمریکا در دستور کار قرار داده است.»

سفر پزشک‌های ایران به تیانجین در چنین فضایی معنا پیدا می‌کند؛ جایی که جمهوری اسلامی میان تهدید مکانیسم ماشه و امید به حمایت شرکای شرقی معلق مانده است. شانگهای برای تهران نه تنها محل نمایش دیپلماسی چندجانبه، بلکه آزمایشی است برای سنجش این که آیا پیوند با چین و روسیه می‌تواند از سطح نماد فراتر رود یا هم‌چنان به ابزاری موقت برای خرید زمان محدود بماند. پاسخ این پرسش، بیش از آنکه در سالن اجلاس رقم بخورد، به تصمیم‌های بعدی پکن، مسکو و توان داخلی ایران در عبور از تناقض‌های مزمنش وابسته است. مسعود پزشک‌های پیش از آغاز این سفر گفت این نشست به دلیل جمعیت و سهم اقتصادی عظیم اعضا بسیار مهم است و «فرصتی برای چندجانبه‌گرایی در برابر بلوک غرب» به‌شمار می‌آید.

او تأکید کرد که به باور او، دیدار با رهبران چین و دیگر کشورها می‌تواند به صلح، امنیت و رفاه منطقه‌ای و جهانی و نیز گسترش همکاری‌های علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کمک کند.

حساب علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در شبکه اجتماعی ایکس نیز روز یکشنبه به نقل از او نوشت: «ایران و چین با سابقه کهن تمدنی در دو سوی آسیا، قدرت تحول آفرینی در صحنه منطقه‌ای و جهانی را دارند. عملیاتی کردن تمامی ابعاد توافق راهبردی، این راه را هموار می‌کند.»

رهبر جمهوری اسلامی، در این پیام که به زبان چینی هم بازنشر شده، به سند همکاری‌های ۲۵ ساله موسوم به «سند همکاری راهبردی و جامع ۲۵ ساله ایران و چین» است که فروردین ۱۴۰۰ امضاء شد و مقام‌های جمهوری اسلامی مدعی شدند که بر مبنای این سند بنا است چین در ایران ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها انجام دهد.

با این حال، به گفته منابع اقتصادی، سرمایه‌گذاری واقعی چین در ایران در این سال‌ها افزایش محسوسی نداشته و عملاً در سطحی پایین باقی مانده است.

یک سال پس از امضای این سند، رسانه‌های ایران با استناد به اظهارات مقام‌های دولت ابراهیم رئیسی از «رویکردانی چینی‌ها از سرمایه‌گذاری در ایران» خبر دادند و رییس اتاق مشترک ایران و چین نیز با تایید کاهش سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران اعلام کرد که از ابتدای دولت رئیسی تا آن زمان چینی‌ها تنها به ارزش ۱۸۵ میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری کردند.

سفر مسعود پزشکیان در حالی انجام می‌شود که جمهوری اسلامی زیر فشار تازه تحریمی غرب به دلیل فعال شدن «سازوکار ماشه» قرار دارد و دولت پزشکیان، همانند دولت‌های پیشین، امید دارد «نگاه به شرق» و حضور در پیمان‌هایی چون شانگهای و بریکس (اتلافی متشکل از برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی و چند عضو جدید از جمله ایران) بتواند بخشی از انزوای تهران را جبران کند.

سفر چهار روزه رییس‌جمهور ایران به چین در شرایطی تاریخی و سرنوشت‌ساز برای جمهوری اسلامی انجام می‌گیرد، زیرا اجلاس شانگهای در شرایطی برگزار می‌شود که روند فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» آغاز شده است.

جمهوری اسلامی امیدوار است با استفاده از ظرفیت سازمان شانگهای، فشارهای ناشی از تحریم‌ها را کاهش دهد. اهداف اصلی ایران در این سازمان را می‌توان در دو محور خلاصه کرد: جلب حمایت‌های اقتصادی و مقابله با تحریم‌ها.

اما پرسش اساسی این‌جاست: اگر مکانیسم ماشه فعال شود و تحریم‌های بین‌المللی بازگردند، آیا کشورهایی چون چین، روسیه و هند حاضر خواهند شد منافع اقتصادی خود در غرب و آمریکا را قربانی روابط با ایران کنند؟

سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای (SCO) یک سازمان بین‌دولتی است که در سال ۲۰۰۱ توسط چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان تأسیس شد. هدف این سازمان ارتقای همکاری و صلح میان کشورهای عضو و همچنین ایجاد «نظم سیاسی و اقتصادی بین‌المللی جدیدی که دموکراتیک، عادلانه و منطقی باشد» است.

این سازمان در سال ۲۰۱۷ هند و پاکستان و در سال ۲۰۲۳ ایران را به عضویت خود پذیرفت و تعداد اعضای آن به ۹ کشور افزایش یافت. علاوه بر این، SCO شامل سه کشور ناظر که در حال حاضر غیرفعال می‌باشند و ۱۴ شریک گفت‌وگو است.

کشورهای عضو و شرکا

اعضای اصلی سازمان عبارتند از:

۱. اعضای بنیان‌گذار: چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان.
۲. اعضای جدید: هند و پاکستان (پیوستن در سال ۲۰۱۷) و ایران (پیوستن در سال ۲۰۲۳).
۳. کشورهای ناظر: افغانستان، بلاروس، و مغولستان.
۴. شرکای گفت‌وگو: سریلانکا، ترکیه، کامبوج، آذربایجان، نپال، ارمنستان، مصر، قطر، عربستان سعودی، بحرین، کویت، میانمار، مالدیو و امارات متحده عربی.

زبان‌های رسمی این سازمان، چینی و روسی هستند. سازمان همکاری شانگهای بزرگ‌ترین سازمان منطقه‌ای جهان از نظر جغرافیا و جمعیت است و حدود ۸۰ درصد از خشکی اوراسیا و ۴۰ درصد از جمعیت جهان را پوشش می‌دهد. تا سال ۲۰۲۱، این بلوک حدود ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می‌داد. پس از پیوستن ایران، سازمان همکاری شانگهای اکنون ۲۰ درصد از ذخایر نفتی جهان و ۴۴ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را تحت کنترل دارد.

SCO یک نهاد کلیدی در تلاش‌های استراتژیک چین و روسیه برای ایجاد یک «جهان چندقطبی» است و خود را به عنوان جایگزینی برای مجامع بین‌المللی تحت سلطه غرب مانند سازمان ملل متحد مطرح می‌کند. در نشست SCO در سال ۲۰۰۵، نورسلطان نظربایف، رییس‌جمهور نمایندگان نیمی از بشریت هستند.»

تاریخچه، اهداف و ساختار

این سازمان که پیش‌تر به عنوان گروه «شانگهای پنج» در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده بود، در سال ۲۰۰۱ با پیوستن ازبکستان به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر نام یافت. منشور SCO که از سال ۲۰۰۳ اجرایی شد، اهداف آن را در زمینه ارتقای صلح، ثبات و رفاه منطقه‌ای از طریق همکاری در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و تلاش‌های هماهنگ برای مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی تعیین می‌کند.

ساختار این سازمان شامل شورای سران کشورها، به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری است که سالانه تشکیل جلسه می‌دهد. این شورا با شورای سران دولت‌ها که سالانه مسائل استراتژیک، همکاری اقتصادی و بودجه را بررسی می‌کند، پشتیبانی می‌شود. شوراهای دیگری نیز بر حوزه‌هایی مانند امنیت، تبادل فناوری و حفاظت از محیط زیست متمرکز هستند.

SCO دارای دو نهاد دائمی است: دبیرخانه در پکن و ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم در تاشکند، ازبکستان. این سازمان همکاری‌های فعالی با نهادهای بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی مانند سازمان ملل، کشورهای مستقل **مشترک المنافع** تصمیم‌گیری در سازمان همکاری‌های شانگهای مستلزم اجماع است، به طوری که همه کشورهای عضو باید توافق کنند. با این حال، سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های آن به شدت تحت تأثیر چین و روسیه قرار دارد که در تلاشند تا یک مجمع ژئوپلیتیکی و مجموعه‌ای از هنجارهای بین‌المللی غیرغربی ایجاد کنند.

در سال ۲۰۰۵، ایالات متحده درخواست وضعیت ناظر در این سازمان را ارائه کرد که رد شد و نشان‌دهنده تعهد SCO به حفظ استقلال از نفوذ غرب بود.

دلیل نام‌گذاری

نام «سازمان همکاری شانگهای» (Shanghai Cooperation Organization) به این دلیل انتخاب شده است که نشست اولیه و بنیان‌گذاری این سازمان در شهر شانگهای، چین، برگزار شد.

در سال ۱۹۹۶، گروه اولیه به نام «شانگهای پنج»، شامل چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان، در شانگهای تشکیل شد تا مسائل مربوط به حل‌وفصل مرزی و تقویت اعتماد متقابل را بررسی کنند.

وقتی در سال ۲۰۰۱ ازبکستان به این گروه پیوست و سازمان به شکل رسمی تأسیس شد، نام «سازمان همکاری شانگهای» به احترام شهر شانگهای، جایی که این ابتکار کلید خورد، انتخاب شد. این نام هم‌چنین تأکید بر نقش چین در تأسیس و هدایت اولیه این سازمان دارد.

ابتکارات کلیدی

۱. همکاری امنیتی:

همکاری امنیتی یکی از محورهای موفقیت‌آمیز SCO بوده و این سازمان را به عنوان نهاد اصلی امنیتی در آسیای مرکزی مطرح کرده است. بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم توانست ۲۰ حمله تروریستی برنامه‌ریزی‌شده را خنثی کند، ۶۵۰ جرم تروریستی را مختل کند، ۴۴۰ کمپ آموزشی تروریستی را برچیند، ۲۷۰۰ عضو گروه‌های افراطی را بازداشت کند و ۱۷۰۰ نفر دیگر را خنثی کند.

هم‌چنین این ساختار موفق به توقیف ۳۲۵۰ دستگاه انفجاری دست‌ساز، ۴۵۰ گوله مهمات و ۵۲ تن مواد منفجره شده است. علاوه بر اقدامات ضدتروریستی، این سازمان توسعه اقتصادی و گفت‌وگوی فرهنگی را به عنوان راهکارهایی برای جلوگیری از رادیکالیزاسیون جمعیت‌های آسیب‌پذیر ترویج داده است.

۲. همکاری انرژی:

باشگاه انرژی SCO در سال ۲۰۱۳ تأسیس شد و همکاری میان تولیدکنندگان اصلی انرژی مانند روسیه، عربستان سعودی، ایران، قزاقستان و ازبکستان را تقویت کرده است.

پروژه‌هایی نظیر خط لوله گاز آسیای مرکزی-چین و توسعه هاب گازی ترکیه از نمونه‌های این همکاری‌ها هستند.

چین و روسیه هم‌چنین راکتورهای هسته‌ای به سایر کشورهای عضو صادر کرده‌اند.

این ابتکارات به ایجاد یک سیستم انرژی خودکفا برای SCO کمک کرده و نقش مهمی در کاهش تأثیر تحریم‌های بین‌المللی علیه روسیه ایفا کرده است.

چالش‌ها و انتقادات

۱. افغانستان:

افغانستان که در سال ۲۰۱۲ به عنوان کشور ناظر به SCO پیوست، پس از بازگشت طالبان در سال ۲۰۲۱ به یک چالش عمده تبدیل شده است. کشورهای عضو دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به طالبان دارند؛ هند با احتیاط بیشتری عمل کرده، در حالی که روسیه، چین، ازبکستان و پاکستان روابط خود را با طالبان عادی‌سازی کرده‌اند.

۲. اختلافات داخلی:

تنوع منافع سیاسی و اقتصادی میان کشورهای عضو، به‌ویژه میان قدرت‌های بزرگ مانند هند و چین، یکی از موانع اصلی در پیشبرد اهداف سازمان است. رقابت ژئوپلیتیکی میان این دو کشور، به‌ویژه در موضوعاتی مانند پروژه‌های زیرساختی مرتبط با «ابتکار کمربند و جاده» و اختلافات مرزی، باعث ایجاد تنش در داخل SCO شده است. این اختلافات بر توانایی سازمان در هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و تحقق اهداف مشترک تأثیر می‌گذارد.

۳. محدودیت منابع:

بسیاری از پروژه‌های مشترک در SCO به دلیل نبود بودجه کافی و مکانیزم‌های تامین مالی مشخص، یا به تأخیر افتاده‌اند یا اجرا نشده‌اند. پیشنهاد چین برای ایجاد یک صندوق توسعه یا منطقه تجارت آزاد نیز با مخالفت‌هایی از سوی روسیه مواجه شده است، زیرا روسیه نگران تسلط اقتصادی چین بر سازمان است. این محدودیت‌ها، توانایی سازمان برای اجرای پروژه‌های کلیدی در حوزه‌های انرژی، زیرساخت و تجارت را کاهش داده است.

۴. مقابله با نفوذ خارجی:

فشار کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا، برای محدودسازی تأثیرگذاری سازمان، چالش دیگری برای SCO است. غرب تلاش می‌کند با ارائه پیشنهادات اقتصادی و دیپلماتیک به برخی از کشورهای عضو، مانع از همگرایی کامل آن‌ها با سیاست‌های سازمان شود.

همچنین، رد درخواست ایالات متحده برای وضعیت ناظر در SCO در سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که سازمان برای حفظ استقلال خود در برابر نفوذ خارجی، با چالش‌های زیادی روبه‌رو است.

چشم‌انداز و آینده سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای (SCO) در حال حاضر در نقطه‌ای حساس از توسعه خود قرار دارد و به یک نیروی کلیدی در امور جهانی تبدیل شده است. ایجاد تعادل در روابط با ایالات متحده و اتحادیه اروپا - که با تعاملات ظریف همکاری و رقابت مشخص می‌شود - همچنان یکی از جنبه‌های مهم توسعه این سازمان است.

به همین ترتیب، توانایی سازمان همکاری شانگهای در هماهنگ‌سازی منافع کشورهای عضو، به ویژه قدرت‌های بزرگ مانند چین، روسیه و هند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سازمان همچنین مورد انتقاد قرار گرفته که بیشتر به صدور بیانیه‌های نمادین پرداخته تا اقدام عملی، زیرا در مقایسه با سازمان‌هایی مانند آسه‌آن (ASEAN) یا اتحادیه اروپا، به سطح همکاری اقتصادی مشابه دست نیافته است.

با این حال، قدرت نمادین SCO قابل توجه است، به ویژه با توجه به اندازه وسیع آن، موضع ضد غربی و زمینه تاریخی اعضای تأثیرگذار آن - روسیه، چین، هند و پاکستان - که همگی در مقابله با تسلط سیاسی و اقتصادی غرب منافع مشترک دارند.

با ادامه تغییر توازن قدرت جهانی به سمت نظم چندقطبی، سازمان همکاری شانگهای و کشورهای عضو آن در موقعیتی قرار دارند که به رشد قدرت و نفوذ خود، هم در اوراسیا و هم در عرصه جهانی، ادامه دهند.

ایران و SCO

برای عضویت کامل ایران در SCO طی سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی صورت گرفته است. در سال ۲۰۱۶، یک سال پس از آن که ایران توافق هسته‌ای را با قدرت‌های غربی به رهبری ایالات متحده امضا کرد، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، اعلام کرد: «ما بر این باوریم که پس از حل مشکل هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌های سازمان ملل، هیچ مانعی برای عضویت ایران در SCO باقی نمانده است.» اما در سال ۲۰۱۸، ایالات متحده تحت رهبری دونالد ترامپ از توافق خارج شد و این توافق بی‌اثر شد. یک سال بعد، ایالات متحده تمامی معافیت‌ها را لغو کرده و صادرات نفت ایران را محدود کرد.

نقش ایران در سازمان همکاری شانگهای پس از عضویت

۱. امنیت و مبارزه با تروریسم:

ایران می‌تواند به عنوان یکی از کشورهای تجربه‌گسترده‌ای در مقابله با تروریسم و قاچاق مواد مخدر دارد، نقش موثری در تقویت ساختار ضد تروریسم SCO ایفا کند. موقعیت جغرافیایی ایران، به ویژه در نزدیکی افغانستان، این امکان را به تهران می‌دهد که در حل مسائل امنیتی منطقه‌ای، مانند کنترل مرزها و مبارزه با افراط‌گرایی، همکاری نزدیکی با اعضای دیگر داشته باشد.

۲. ارتباطات تجاری و انرژی:

ایران می‌تواند به هاب انرژی SCO تبدیل شود، زیرا این کشور دارای منابع عظیم نفت و گاز است. با عضویت در SCO، ایران دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی، جنوب آسیا و حتی چین و روسیه را تسهیل خواهد کرد.

۳. توسعه زیرساخت‌ها:

از طریق همکاری با پروژه‌های مرتبط با ابتکار کمربند و جاده چین، ایران می‌تواند از سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی مانند راه‌آهن‌ها و کریدورهای تجاری بهره‌مند شود و نقش خود را در ترانزیت منطقه‌ای تقویت کند.

روابط ایران با کشورهای عضو

۱. چین:

ایران و چین روابط اقتصادی و سیاسی نزدیکی دارند. پس از عضویت ایران در SCO، این روابط می‌تواند تقویت شود، به ویژه در حوزه‌های انرژی و زیرساخت. توافق ۲۵ ساله ایران و چین نیز نشان‌دهنده تعهد دو کشور به همکاری‌های بلندمدت است. چین می‌تواند بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران باقی بماند و از طریق SCO مسیرهای تجاری جدیدی را برای تهران ایجاد کند. دو کشور در سال ۲۰۲۳ معادل ۱۴/۷۵۰ میلیارد دلار کالا مبادله کردند. چین از ژانویه تا دسامبر ۲۰۲۳ به ارزش ۱۰/۷۰ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرد که نشان‌دهنده رشد ۸/۶ درصدی است. واردات چین از ایران به ۴/۵۸۰ میلیارد دلار کاهش یافته است که کاهش ۲۷ درصدی را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد.

نمودار فوق حجم کل صادرات و واردات ایران با چین را در سال ۲۰۲۳ میلادی نمایش می‌دهد.

۲. روسیه:

ایران و روسیه از لحاظ امنیتی و سیاسی دیدگاه‌های مشترکی دارند، به ویژه در مقابله با نفوذ غرب. عضویت ایران در SCO می‌تواند هماهنگی دو کشور را در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل و امنیت تقویت کند. هم‌چنین همکاری‌های نزدیک در کریدور شمال-جنوب و تبادل فناوری می‌تواند نقش ایران و روسیه را در منطقه تقویت کند. در پایان سال ۲۰۲۳، حجم تجارت بین روسیه و ایران به حدود ۴ میلیارد دلار رسید، حجم کل صادرات روسیه ۲/۷ میلیارد دلار بود، از ایران ۱/۳ میلیارد دلار می‌باشد.

۳. هند:

هند اگرچه با برخی از پروژه‌های چین در SCO مخالف است، اما به دنبال تقویت روابط تجاری با ایران است. پروژه بندر چابهار که هند در آن سرمایه‌گذاری کرده، می‌تواند نقطه‌ای کلیدی برای همکاری‌های اقتصادی دو کشور باشد. ایران می‌تواند به هند کمک کند تا دسترسی آسان‌تری به آسیای مرکزی پیدا کند. ایران همچنین از همکاری‌های نزدیک با هند در مبارزه با تروریسمی که از پاکستان و افغانستان ناشی می‌شود، حمایت خواهد کرد.

در سال ۲۰۲۳، حجم کل مبادلات تجاری ایران و هند به ۱/۸۳۶ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل کاهش ۲۶ درصدی را نشان می‌دهد.

صادرات ایران به هند در این سال حدود ۷۲۳ میلیون دلار بود که نسبت به سال قبل کاهش ۳۴ درصدی داشته است. واردات ایران از هند نیز به ارزش ۱/۱۱۳ میلیارد دلار ثبت شد که کاهش ۲۲ درصدی را نشان می‌دهد. این ارقام نشان‌دهنده کاهش مبادلات تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۲۳ است.

۴. پاکستان:

روابط ایران و پاکستان همیشه پیچیده بوده است، اما عضویت ایران در SCO می‌تواند فرصتی برای بهبود تعاملات دو کشور ایجاد کند. دو کشور می‌توانند در پروژه‌های امنیتی و اقتصادی مشترک همکاری کنند، به‌ویژه در مقابله با قاچاق مواد مخدر و توسعه خطوط انرژی. در سال ۲۰۲۳، روابط تجاری ایران و پاکستان به‌طور چشمگیری ادامه یافت. ایران در این سال به ارزش ۹۹۴ میلیون دلار محصولات غیرنفتی به پاکستان صادر کرد که رشد ۱۳ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۲ داشت. از سوی دیگر، واردات کالا از پاکستان به ایران در همین سال به ارزش ۱۵۵ میلیون دلار رسید. حجم کلی تجارت بین دو کشور در سال ۲۰۲۳ معادل ۱,۱۴۹ میلیارد دلار بود که شامل صادرات ایران به پاکستان و واردات کالا از پاکستان به ایران می‌شود.

قزاقستان:

قزاقستان به‌عنوان یکی از اعضای آسیای مرکزی سازمان همکاری شانگهای، روابط اقتصادی مناسبی با ایران دارد. قزاقستان و ایران در زمینه‌های کشاورزی، انرژی، و محصولات صنعتی با یکدیگر مبادله دارند. هم‌چنین ایران و قزاقستان همکاری‌های خوبی در زمینه حمل‌ونقل و ترانزیت کالا دارند، به‌ویژه در استفاده از مسیرهای ترانزیتی ایران به اروپا و آسیای مرکزی. در سال ۲۰۲۳، حجم کل مبادلات تجاری ایران و قزاقستان به ۳۰۲ میلیون دلار رسید. صادرات ایران به قزاقستان در این سال حدود ۲۱۸,۵۳ میلیون دلار بود. واردات ایران از قزاقستان نیز به ارزش ۸۳/۴۷ میلیون دلار ثبت شد. این ارقام نشان‌دهنده رشد و توسعه روابط تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۲۳ است.

۶. ازبکستان:

ازبکستان در سال‌های اخیر به دنبال گسترش روابط اقتصادی خود با ایران بوده است. ایران و ازبکستان در زمینه‌های مختلفی مانند کشاورزی، صنایع معدنی، و ماشین‌آلات همکاری می‌کنند. بعلاوه ایران به ازبکستان گاز طبیعی صادر می‌کند و ازبکستان برخی از نیازهای صنعتی خود را از ایران تأمین می‌کند. در سال ۲۰۲۳، حجم کل مبادلات تجاری ایران و ازبکستان به ۴۶۸/۱ میلیون دلار رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل (۴۰۰/۵ میلیون دلار) افزایش نشان می‌دهد. صادرات ایران به ازبکستان در این سال حدود ۲۹۷/۳۰ میلیون دلار بود و واردات ایران از ازبکستان نیز به ارزش ۱۷۰/۸ میلیون دلار ثبت شد. این ارقام نشان‌دهنده رشد و توسعه روابط تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۲۳ است.

تاجیکستان:

تاجیکستان و ایران روابط اقتصادی خوبی دارند که عمدتاً در بخش‌های صنعتی و کشاورزی متمرکز است. ایران صادرات قابل توجهی به تاجیکستان دارد که شامل مواد غذایی، مصالح ساختمانی، و محصولات پتروشیمی است. بعلاوه ایران در پروژه‌های عمرانی و زیرساختی در تاجیکستان مشارکت دارد. در سال ۲۰۲۳، حجم کل مبادلات تجاری ایران و تاجیکستان به ۳۳۸ میلیون دلار رسید که نسبت به سال‌های گذشته رشد قابل توجهی داشته است. صادرات ایران به تاجیکستان در این سال حدود ۲۶۲ میلیون دلار بود. واردات ایران از تاجیکستان نیز به ارزش ۷۶ میلیون دلار ثبت شد. این ارقام نشان‌دهنده توسعه روابط تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۲۳ است.

قرقیزستان:

قرقیزستان به‌عنوان یکی از کشورهای آسیای مرکزی که عضو سازمان همکاری شانگهای است، در زمینه‌های مختلف اقتصادی با ایران تعامل دارد. ایران محصولات مختلفی مانند مصالح ساختمانی، مواد غذایی، و ماشین‌آلات به قرقیزستان صادر می‌کند. قرقیزستان از ایران در زمینه‌های کشاورزی و صنعت بهره‌برداری می‌کند و همکاری‌هایی در زمینه‌های انرژی نیز وجود دارد. در سال ۲۰۲۳، حجم کل مبادلات تجاری ایران و قرقیزستان به ۲۶۷/۷ میلیون دلار رسید. صادرات ایران به قرقیزستان در این سال حدود ۱۹,۷ میلیون دلار بود. واردات ایران از قرقیزستان نیز به ارزش ۷ میلیون دلار ثبت شد. این ارقام نشان‌دهنده حجم محدود روابط تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۲۳ است.

پیامدها و فرصت‌های عضویت ایران در SCO

تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی:

عضویت در SCO موقعیت ایران را در معادلات منطقه‌ای و جهانی تقویت می‌کند. این عضویت به ایران کمک می‌کند تا در مقابل فشارهای غرب، متحدان قدرتمندتری پیدا کند و جایگاه خود را در میان قدرت‌های بزرگ آسیای تثبیت کند.

در ماه‌های اخیر تغییرات عمده‌ای در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی ایران رخ داده است. خروج بی‌نظم ایالات متحده از افغانستان فضای بیش‌تری را برای نفوذ و سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه آسیای مرکزی فراهم کرده است. چین همچنین پاکستان را به‌طور فزاینده‌ای در آغوش استراتژیک خود کشانده و در عرصه جهانی خود را پرقدتر کرده است. ایران علاوه بر متحد سنتی خود، روسیه، به کشورهای دیگری نیز دست یازیده است. در ماه مارس سال جاری، ایران توافقی را برای احیای روابط دیپلماتیک با رقیب قدیمی منطقه‌ای خود، عربستان سعودی، به‌واسطه چین امضاء کرد.

توسعه اقتصادی و تجاری:

عضویت در SCO به ایران اجازه می‌دهد تا به بازارهای جدیدی در آسیای مرکزی، چین، هند و روسیه دسترسی پیدا کند. ایران می‌تواند از پروژه‌های توسعه زیرساختی مانند خطوط ریلی، بنادر و خطوط انرژی بهره‌مند شود.

کاهش وابستگی به دلار و استفاده از ارزهای ملی در تجارت با کشورهای عضو، می‌تواند تاثیر تحریم‌ها را کاهش دهد.

تاثیرگذاری سیاسی:

ایران می‌تواند در فرآیندهای تصمیم‌گیری SCO مشارکت فعال‌تری داشته باشد و دیدگاه‌های خود را در مسائل امنیتی، انرژی و همکاری‌های منطقه‌ای مطرح کند.

همکاری‌های امنیتی:

عضویت ایران به این کشور امکان می‌دهد تا با کشورهای عضو در مقابله با تهدیدهای امنیتی مانند قاچاق مواد مخدر، تروریسم و بی‌ثباتی منطقه‌ای همکاری کند.

چالش‌ها و موانع

توجه به عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای (SCO) از ابتدای سال ۲۰۲۳، اکنون تمرکز بر چالش‌ها و موانع پیش روی ایران در بهره‌برداری کامل از این عضویت است.

۱. تحریم‌های بین‌المللی: با وجود عضویت در SCO، تحریم‌های اقتصادی و مالی اعمال‌شده توسط کشورهای غربی همچنان پابرجاست. این تحریم‌ها می‌تواند مانع از توسعه روابط تجاری و اقتصادی ایران با سایر اعضای سازمان شوند و بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های عضویت را محدود کنند.

۲. زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ترانزیت: ایران به‌عنوان یک مرکز ارتباطی و ترانزیتی مهم در منطقه شناخته می‌شود؛ با این حال، نیاز به توسعه و به‌روزرسانی زیرساخت‌های حمل‌ونقل برای بهره‌برداری موثر از فرصت‌های تجاری و ترانزیتی در چارچوب SCO احساس می‌شود. عدم سرمایه‌گذاری کافی در این بخش می‌تواند مانعی برای تحقق کامل پتانسیل‌های موجود باشد.

۳. هماهنگی با سیاست‌های اقتصادی و تجاری اعضا: برای بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی در SCO، ایران نیازمند هماهنگی با سیاست‌ها و استانداردهای تجاری و اقتصادی سایر اعضاست. تفاوت در سیاست‌ها و مقررات می‌تواند چالشی در مسیر همکاری‌های مؤثر باشد.

۴. رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: حضور قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای مانند چین، روسیه و هند در SCO می‌تواند به رقابت‌های ژئوپلیتیکی منجر شود. ایران باید با دقت در این رقابت‌ها نقش‌آفرینی کند تا منافع ملی خود را حفظ کرده و از تنش‌های احتمالی جلوگیری کند.

۵. مسائل فرهنگی و زبانی: تفاوت‌های فرهنگی و زبانی میان اعضای SCO می‌تواند در برخی موارد به موانعی در برقراری ارتباطات موثر و توسعه همکاری‌ها منجر شود. ایران نیازمند تقویت دیپلماسی فرهنگی و آموزش زبان‌های مورد نیاز برای تسهیل تعاملات است.

۶. ساختار سازمانی و فرآیندهای تصمیم‌گیری: سازمان همکاری شانگهای دارای ساختارهای تصمیم‌گیری خاصی است که نیازمند آشنایی و تطبیق با آن‌هاست. ایران باید با این ساختارها آشنا شده و در فرآیندهای تصمیم‌گیری نقش فعالی ایفا کند تا بتواند از مزایای عضویت بهره‌مند شود.

نمایشگاه‌ها و رویدادها

نمایشگاه‌ها و رویدادهای سازمان همکاری شانگهای (SCO) به‌طور مرتب برگزار می‌شوند و فرصتی برای اعضای این سازمان به منظور تقویت همکاری‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی، و سیاسی فراهم می‌آورند. این رویدادها شامل نمایشگاه‌های تخصصی، نشست‌ها، و کنفرانس‌های مختلفی هستند که هدف آن‌ها ترویج تجارت، همکاری‌های فرهنگی، و توسعه روابط میان اعضاست. در اینجا تعدادی از مهم‌ترین نمایشگاه‌ها و رویدادهای مرتبط با سازمان همکاری شانگهای آورده شده است:

۱. نمایشگاه‌های تجاری و اقتصادی SCO

این نمایشگاه‌ها به‌طور معمول در کشورهای مختلف عضو سازمان همکاری شانگهای برگزار می‌شوند و زمینه‌ای برای معرفی محصولات، خدمات، و فناوری‌های جدید فراهم می‌کنند. نمایشگاه‌ها به‌ویژه در زمینه‌های زیر فعالیت دارند:

صنایع مختلف: از جمله صنایع انرژی، حمل‌ونقل، کشاورزی، صنایع پیشرفته، و فناوری اطلاعات.

محصولات صادراتی: کشورهای عضو SCO در این نمایشگاه‌ها کالاها و خدمات خود را به بازارهای بین‌المللی معرفی می‌کنند.

تجارت الکترونیک و فناوری‌های نوین: این نمایشگاه‌ها گاهی با تمرکز بر فناوری‌های نوین و تجارت الکترونیک برگزار می‌شوند، که به‌ویژه برای تقویت همکاری‌های تجاری در این زمینه‌ها مفید است.

۲. کنفرانس‌ها و نشست‌های اقتصادی SCO

سازمان همکاری شانگهای به طور منظم کنفرانس‌ها و نشست‌هایی را در سطوح مختلف برگزار می‌کند که معمولاً به بررسی مسائل اقتصادی، تجاری، و سیاسی بین کشورهای عضو اختصاص دارند. این نشست‌ها فرصتی برای همکاری در زمینه‌های مختلف مانند انرژی، حمل‌ونقل، امنیت، و توسعه پایدار فراهم می‌آورند. برخی از این نشست‌ها به‌ویژه در حوزه‌های زیر برگزار می‌شوند: اقتصاد دیجیتال و تجارت الکترونیک: بحث درباره فناوری‌های نوین و چالش‌های تجارت الکترونیک و تحول دیجیتال. همکاری در زمینه انرژی و منابع طبیعی: بررسی مسائل مربوط به انرژی و تامین منابع برای کشورهای عضو. حمل‌ونقل و زیرساخت‌ها: چگونگی تقویت شبکه‌های حمل‌ونقل و ایجاد مسیرهای تجاری جدید.

۳. رویدادهای فرهنگی SCO

علاوه بر رویدادهای اقتصادی، سازمان همکاری شانگهای توجه زیادی به برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری دارد. این رویدادها به منظور تقویت تبادل فرهنگی و درک متقابل میان کشورهای عضو برگزار می‌شوند. شامل: جشنواره‌های هنری و موسیقی: برگزاری جشنواره‌های فرهنگی که فرصتی برای هنرمندان کشورهای عضو برای نمایش آثار خود است. نمایشگاه‌های فرهنگی: نمایشگاه‌هایی که به معرفی تاریخ و فرهنگ کشورهای مختلف عضو می‌پردازند. کارگاه‌ها و سمینارهای فرهنگی: جلسات آموزشی و کارگاه‌های فرهنگی برای تبادل تجربیات فرهنگی و هنری.

۴. نشست‌های سیاسی و امنیتی SCO

سازمان همکاری شانگهای در کنار رویدادهای اقتصادی و فرهنگی، به‌طور مرتب نشست‌هایی در زمینه‌های سیاسی و امنیتی برگزار می‌کند. این نشست‌ها به‌ویژه در ارتباط با تقویت همکاری‌های امنیتی و مبارزه با تهدیدات مشترک مانند تروریسم، قاچاق انسان، و جرائم سازمان‌یافته است. برخی از این نشست‌ها شامل:

نشست‌های وزرای امور خارجه: که در آن مقامات بلندپایه کشورهای عضو به بررسی مسائل امنیتی و سیاسی می‌پردازند.

نشست‌های وزرای دفاع: به منظور تقویت همکاری‌های دفاعی و امنیتی میان کشورهای عضو.

کنفرانس‌های ضد تروریسم: برای هماهنگی تلاش‌ها در زمینه مقابله با تهدیدات تروریستی و افراطی.

۵. نمایشگاه‌های تخصصی SCO

نمایشگاه‌های تخصصی به‌طور خاص در زمینه‌های خاصی مانند انرژی، حمل‌ونقل، یا کشاورزی برگزار می‌شوند. این نمایشگاه‌ها به‌طور معمول در کشورهای مختلف عضو SCO برگزار شده و فرصتی برای نمایش توانمندی‌های هر کشور در آن زمینه فراهم می‌آورد. نمایشگاه‌های انرژی و منابع طبیعی: که در آن کشورها توانمندی‌های خود در زمینه‌های نفت، گاز، انرژی‌های تجدیدپذیر و دیگر منابع طبیعی را به نمایش می‌گذارند.

نمایشگاه‌های کشاورزی: که در آن محصولات کشاورزی کشورهای عضو، به‌ویژه در زمینه‌های محصولات ارگانیک و فناوری‌های کشاورزی جدید، معرفی می‌شود.

۶. کنفرانس‌های علمی و فنی SCO

این کنفرانس‌ها معمولاً با محوریت تبادل اطلاعات علمی و فناوری در زمینه‌های مختلف مانند فناوری اطلاعات، انرژی‌های نو، و مهندسی برگزار می‌شوند. برخی از این رویدادها شامل:

کنفرانس‌های فناوری و نوآوری: با هدف بررسی همکاری‌های علمی و فناوری و تبادل دستاوردهای علمی.

سمینارهای مهندسی و فناوری: برای ارتقای مهارت‌های فنی و مهندسی میان کشورهای عضو.

تاریخچه سازمان همکاری شانگهای چین

این سازمان ابتدا تحت عنوان گروه پنج در سال ۱۹۹۶ با امضای معاهده تقویت اعتماد نظامی در مناطق مرزی توسط سران کشورهای چین، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان ایجاد شد. یکسال بعد همان کشورها معاهده کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی را در نشستی در مسکو، روسیه امضاء کردند. رییس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور قزاقستان نورسلطان نازربایف، رییس جمهور چین جیانگ زمین، رئیس جمهور قرقیزستان عسکر آقایف و رئیس جمهور تاجیکستان امامعلی رحمان اولین رهبران این پنج کشور در این معاهده بودند.

اجلاس سالانه بعدی گروه پنج در آلماتی قزاقستان در سال ۱۹۹۸، در بیشکک قرقیزستان در سال ۱۹۹۹ و در دوشنبه تاجیکستان در سال ۲۰۰۰ برگزار شد. انسان‌دوستی و حمایت از حقوق بشر، حفاظت از استقلال ملی، حاکمیت، تمامیت ارضی و ثبات اجتماعی پنج کشور جزو اهداف اجلاس سالانه این گروه بوده است. در سال ۲۰۰۱، اجلاس سالانه به شانگهای بازگشت؛ ازبکستان را به عنوان عضو ششم پذیرفتند و سپس هر شش رییس جمهور ۲۰۰۱ بیانیه سازمان همکاری شانگهای را امضا کردند و از نقشی که مکانیسم این گروه تا به آن روز ایفا کرده بود قدردانی و خواستار گسترش آن بودند. در سال ۲۰۰۲ نیز منشور این سازمان در روسیه توسط همین افراد امضا شد.

در سال ۲۰۰۵ در اجلاس سالانه به میزبانی قزاقستان، نمایندگان هند، ایران، مغولستان و پاکستان نیز برای اولین بار در این اجلاس حضور داشتند و نورسلطان نازربایف، رئیس جمهور قزاقستان، با کلماتی که هرگز استفاده نشده بود و توجه همگان نیز به آن جلب شد به مهمانان خوش آمد گفت: «رهبران کشورهایی که بر سر این میز مذاکره نشسته اند، نمایندگان نیمی از بشریت هستند.» در سال ۲۰۱۵

نیز این سازمان تصمیم گرفت هند و پاکستان را به عنوان اعضای کامل بپذیرد و در سال ۲۰۱۷ این امر محقق شد. مسیری که برای ایران ۱۵ سال طول کشید و پس از درخواست در سال ۲۰۰۶، بالاخره در سال ۲۰۲۲ به عضویت این سازمان درآمد.

وضعیت عضوگیری سازمان همکاری شانگهای در آینده نزدیک

در سال ۲۰۱۰، سازمان همکاری شانگهای روشی را برای پذیرش اعضای جدید تصویب کرد. مغولستان و افغانستان که دارای وضعیت ناظر هستند، قصد خود را برای عضویت کامل سازمان همکاری شانگهای اعلام کرده اند. ترکیه در سال ۲۰۱۳ شریک گفتگو شد و باید میان اتحادیه اروپا و سازمان همکاری شانگهای یکی را انتخاب کند. پس از آن که پارلمان اروپا به اتفاق آرا به تعلیق مذاکرات الحاق با ترکیه رای داد، تمایل ترکیه به این سازمان در سال ۲۰۱۶ افزایش یافت. در سال ۲۰۲۲، اردوغان اعلام کرد که ترکیه به دنبال عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای است.

در سال ۲۰۱۱، ویتنام برای به دست آوردن وضعیت ناظر ابراز علاقه کرد اما برای آن درخواستی نداده است. در سال ۲۰۱۲، بنگلادش برای وضعیت ناظر درخواست داده است. در سال ۲۰۱۲، اوکراین برای به دست آوردن وضعیت ناظر ابراز علاقه کرد اما برای آن درخواستی نداده است. در سال ۲۰۱۵، سوریه برای وضعیت شریک گفتگو درخواست داده است. در سال ۲۰۱۶، اسرائیل و در سال ۲۰۱۹ عراق نیز درخواست وضعیت شریک گفتگو کرده اند.

در رابطه با ترکمنستان باید بگوییم که این کشور پیش تر خود را یک کشور پی طرف اعلام کرده بود اما با توجه به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل، عضویت این کشور در سازمان همکاری شانگهای ممنوع شده است. رئیس جمهور ترکمنستان از سال ۲۰۰۷ به عنوان مهمان در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای شرکت می کند.

فعالیت های سازمان همکاری شانگهای چین

فعالیت های امنیتی

اولویت اول این سازمان برطرف کردن نگرانی های مرتبط با امنیت است و اغلب تهدیدات اصلی خود را تروریسم، جدایی طلبی و افراط گرایی توصیف می کند. در سال ۲۰۰۴ ساختار منطقه ای ضد تروریسم (RATS) ایجاد شد. و در سال ۲۰۰۶ سازمان همکاری شانگهای برنامه هایی را برای مبارزه با جرایم مواد مخدر برون مرزی تحت عنوان مبارزه با تروریسم اعلام کرد.

در سال ۲۰۰۷، سازمان همکاری شانگهای توافق نامه ای را با سازمان پیمان امنیت جمعی در تاجیکستان امضاء کرد تا همکاری در موضوعاتی مانند امنیت، جرم و جنایت و قاچاق مواد مخدر را گسترش دهد. توافقنامه ای که در سال ۲۰۰۹ به تصویب رسید، «جنگ اطلاعاتی» را تا حدی به عنوان تلاشی از سوی یک دولت برای تضعیف «سیستم های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی» دولت دیگر تعریف کرد. خنثی کردن توطئه های تروریستی را خنثی کرده و انجام رزمایش مشترک ضد ترور از اقدامات این سازمان است.

فعالیت های نظامی

مانورهای نظامی به طور منظم بین اعضا برای ارتقای همکاری و هماهنگی علیه تروریسم و سایر تهدیدات خارجی و حفظ صلح و ثبات منطقه ای انجام می شود. تا بحال چندین ماموریت صلح در این سازمان امضاء شده است. سرگئی ایوانف، وزیر دفاع روسیه گفت که این رزمایش ها شفاف و برای رسانه ها و مردم آزاد خواهد بود. در سال ۲۰۱۴ ایده ادغام سازمان همکاری شانگهای با سازمان پیمان امنیت جمعی مطرح شد اما در پی تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، بسیاری از اعضای سازمان همکاری شانگهای و حتی سازمان پیمان امنیت جمعی از همکاری نظامی با روسیه فاصله گرفتند.

فعالیت های اقتصادی

در سال ۲۰۰۳، یک توافق نامه برای تقویت همکاری اقتصادی توسط کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای امضاء شد. اکتشاف ذخایر جدید هیدروکربنی و استفاده مشترک از منابع آب جزو پروژه های این سازمان بوده است. ایجاد کنسرسیوم بین بانکی نیز امر مهمی است که در این سازمان رخ داده است. در اجلاس سال ۲۰۰۸ بیان شد که در شرایط کاهش رشد اقتصاد جهانی با دنبال کردن یک سیاست ارزی و مالی مسئولانه، کنترل بر جریان سرمایه، تضمین امنیت غذایی و انرژی اهمیت ویژه ای پیدا کرده است.

فعالیت های فرهنگی

همکاری فرهنگی نیز در چارچوب سازمان همکاری شانگهای رخ می دهد. وزرای فرهنگ این کشورها در سال ۲۰۰۲ در یکن نشست برگزار کردند و بیانیه مشترکی را برای ادامه همکاری امضاء کردند و این نشست تا سال ۲۰۰۶ دو بار دیگر نیز رخ داد. جشنواره و نمایشگاه هنرهای سازمان همکاری شانگهای برای اولین بار در اجلاس سال ۲۰۰۵ برگزار شد.

وضعیت ایران در سازمان همکاری شانگهای

ایران از سال ۲۰۰۵ یک کشور ناظر بود و یک سال بعد یعنی در سال ۲۰۰۶ درخواست عضویت دائم خود را به این سازمان تقدیم کرد. سرانجام در سال ۲۰۲۱، سازمان همکاری شانگهای چین روندهای الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای را آغاز کرد و در همان سال نیز خبر به عضویت درآمدن ایران در این سازمان توسط خبرگزاری ها پوشش داده شد اما این مورد اشتباه بود. در سال ۲۰۲۲ ایران یادداشت تعهداتی را برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای در اجلاس امضا کرد و مشروط به این که مجلس این کشور تعدادی توافق نامه را تصویب کند، به سازمان ملحق خواهد شد که این اتفاق در همین سال یعنی ۲۰۲۲ افتاد و در نوامبر ۲۰۲۲ مجلس ایران عضویت این کشور در سازمان همکاری شانگهای را تصویب کرد.

مزایای عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

ایجاد بستر همکاری ایران در تمامی زمینه‌های بالا و بهره‌مندی از حضور و همکاری در این موارد از مزایای عضویت ایران در این سازمان است. در واقع عضویت ایران را یک معامله برد برد توصیف می‌کنند و این مورد را برای هر دو طرف حائز اهمیت می‌دانند. افزایش صادرات نفت و گاز به چین و هند که پر جمعیت‌ترین کشورهای جهان هستند و روی هم نیمی از جمعیت کره زمین را تشکیل می‌دهند و هم‌چنین انجام مراودات مالی و ارزآوری به این علت می‌تواند برای ایران بسیار سودزا باشد.

همکاری با این سازمان در زمینه مسائل امنیتی شامل مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر نکته‌ای است که می‌تواند برای ایران حائز اهمیت باشد و تنش را در خاورمیانه کاهش دهد. ضمناً خیلی‌ها این سازمان را یک بلوک قدرت در برابر اروپا و آمریکا می‌دانند و ایران را یکی از عناصر مهم جهت استحکام این بلوک عنوان می‌کنند.

در نهایت محکم‌تر شدن کمربند امنیتی در شرق آسیا موضوعی است که می‌تواند به کشورهای آسیایی کمک کننده باشد. به عنوان مثال سازمان ملل نتوانسته است تنش نظامی بین دو کشور هند و پاکستان را کاهش دهد اما تفاهم نامه‌های این سازمان به کاهش درگیری تنش این دو کشور کمک کرده است. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای در تمامی زمینه‌های نظامی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند نکات مثبت زیادی را برای ایران به ارمغان بیاورد.

مرکز تجاری ایران و چین با نام بازرگانی ایران و چین و تحت ریاست حسین قاهری با مجوز رسمی از سازمان توسعه تجارت ایران آماده ارائه مشاوره رایگان و ایجاد بستری مناسب به جهت بهره‌مندی تجار و بازرگانان ایرانی از فرصت به دست آمده در جهت رشد اقتصادی کشور و افزایش مراودات و مبادلات تجاری میان ایران و چین می‌باشد.



نیروهای «هوافضای چین در رژه نظامی به مناسبت هشتادمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم در پکن، چهارشنبه ۱۲ شهریور- ۳ سپتامبر

نمایش قدرت چین در رژه نظامی پکن

شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، روز سوم سپتامبر ۲۰۲۰، در بزرگ‌ترین رژه نظامی تاریخ معاصر این کشور در میدان تیان‌آن‌من، در حالی که ولادیمیر پوتین و کیم جونگ‌اون در کنار او نشسته بودند، هشدار داد جهان «میان صلح یا جنگ، گفت‌وگو یا تقابل» قرار گرفته است. این مراسم که برای هشتادمین سالگرد شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم برگزار شد، از سوی اغلب رهبران غربی نادیده گرفته شد اما به صحنه‌ای برای نمایش قدرت نظامی و وزن دیپلماتیک پکن بدل شد.

شی در سخنرانی اصلی خود در برابر بیش از ۵۰ هزار تماشاگر گفت مردم چین «قاطعانه در سمت درست تاریخ» ایستاده‌اند. او سپس سوار بر لیموزین روباز از مقابل یگان‌ها عبور کرد و موشک‌های هایپرسونیک، پهپادهای زیردریایی و «گرگ رباتیک» مسلح از جمله تجهیزات تازه ارتش آزادی‌بخش خلق را بازدید کرد. رژه ۷۰ دقیقه‌ای با پرواز هلیکوپترها و جنگنده‌ها و رهاسازی ۸۰ هزار کبوتر صلح پایان یافت.

شی با کت مائوئی (در سبک مائو تسه‌تونگ) و همراهی «پنگ لی‌یوان» همسرش - که چندین بار به انگلیسی «خوش آمدید» گفت- از رهبران استقبال کرد. چیدمان جایگاه نیز پیام‌محور بود: شی در میان پوتین و کیم، در حالی که ستون‌های پیاده‌نظام، موشک‌برها و کاروان‌های رباتیک از برابر می‌گذشتند.

بخش زیادی از جنگ‌افزار و تجهیزات رژه، برای نخستین بار به نمایش عمومی گذاشته شد. مقام‌های نظامی چین گفتند این تجهیزات شامل موشک‌های هایپرسونیک ویژه نابودی کشتی‌ها در دریاست؛ سلاح‌هایی که نگرانی خاصی برای نیروی دریایی آمریکا، مستقر در ناوگان هفتم در ژاپن، ایجاد کرده است.

در رژه، پهپاد زیردریایی AJX002، موشک بالستیک قاره‌پیمای DF-61، سلاح‌های راهبردی زمینی، دریایی و هوایی، تجهیزات پیشرفته جنگ دقیق و پهپادها به نمایش درآمدند و جنگنده‌ها و بالگردها نیز در آسمان رژه رفتند. موشک یادشده توانایی حمل کلاهک‌های هسته‌ای به اهداف دوردست را دارد.

در رژه چهارشنبه که بیش از ۱۰ هزار نیروی هماهنگ شده و صدها دستگاه جنگ افزار در آن حضور داشتند. این نخستین رژه بزرگ نظامی چین از سال ۲۰۱۹، در هفتادمین سالگرد تأسیس چین کمونیست، به شمار می‌رود. این رویداد که بادقت برنامه‌ریزی شده بود، واکنش تند دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا را در پی داشت که این سه رهبر را به توطئه علیه ایالات متحده متهم کرد.

ترامپ در پستی در شبکه اجتماعی تروث سوشال که هم‌زمان با آغاز رژه منتشر شد، به نقش آمریکا در کمک به چین برای کسب آزادی از ژاپن در جنگ جهانی دوم اشاره کرد و نوشت: «لطفاً سلام گرم مرا به ولادیمیر پوتین و کیم جونگ اون برسانید، در حالی که علیه ایالات متحده توطئه می‌کنید.»

کرمیلین اعلام کرد که پوتین علیه ایالات متحده توطئه نمی‌کند و اظهارات ترامپ را کنایه‌آمیز توصیف کرد. هرچند ساعاتی قبل گفته بود این رژه را «چالشی برای ایالات متحده» نمی‌داند.

یوری اوشاکوف، دستیار سیاست خارجی کرمیلین، در این مورد در تلویزیون دولتی روسیه گفت که ترامپ «ممکن است طعنه‌آمیز صحبت کرده باشد.» اوشاکوف گفت: «می‌خواهم بگویم که هیچ کس توطئه نکرده است، هیچ کس نقشه نکشیده است، هیچ توطئه‌ای در کار نیست.»

با وجود دیدار ترامپ و پوتین در آلاسکا در ماه اوت، به نظر می‌رسد تلاش او برای پیش‌برد روند صلح در اوکراین، ناکام ماند و مسکو گفت حاضر به دیدار مشترک با ولودیمیر زلنسکی نیست.

برای پوتین، حضور در چین فرصتی بود تا نشان دهد پس از تهاجم تمام‌عیار به اوکراین در انزوا نیست و روابط مسکو و پکن در حال تعمیق است. یک روز پیش از رژه، الکسی میلر، رییس‌گازپروم، اعلام کرد که توافقی برای ساخت خط لوله «قدرت سیبری-۲» به چین حاصل شده است. هرچند او تأکید کرد هنوز درباره قیمت گاز و تقسیم هزینه‌های ساخت توافق نهایی نشده است.

به گزارش رویترز پکن با ترکیب قدرت‌نمایی نظامی و ابتکار دیپلماتیک می‌کوشد روایت تازه‌ای از نظم جهانی را تثبیت کند؛ روایتی که در آن چین، با همراهی روسیه و کره شمالی، خود را محور «صلح از موضع قدرت» معرفی می‌کند و هم‌زمان پیام بازدارندگی به رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌فرستد.

پوتین و کیم، میهمانان افتخاری بودند. شی پیش از آغاز مراسم، با بیش از ۲۵ رهبر از جمله «پرابوو سوبیانوو» رییس‌جمهور اندونزی (با وجود اعتراضات داخلی در کشورش) روی فرش قرمز پذیرایی کرد.

این نخستین بار بود کیم یونگ اون در یک مراسم بزرگ چندجانبه حضور می‌یافت. این همچنین اولین بار در ۶۶ سال گذشته بود که رهبری از کره شمالی در یک رژه نظامی چین شرکت می‌کرد.

ژاپن از اظهار نظر مستقیم خودداری کرد و تایوان از شهروندانش خواست در رژه شرکت نکنند؛ «لای چینگ‌ته» رییس‌جمهور تایوان گفت تایپه «با لوله تفنگ» صلح را گرامی نمی‌دارد.

ژاپن در سال ۱۹۳۷ میلادی به چین حمله کرد و این جنگ تا سال ۱۹۴۵ ادامه داشت. میلیون‌ها چینی در جریان این جنگ کشته شدند. ملی‌گرایان و کمونیست‌های چین در آن زمان به توافق رسیدند که جبهه‌ای متحد علیه ژاپن تشکیل دهند، اما در عین حال نسبت به یکدیگر بدبین و بی‌اعتماد بودند.

پس از تسلیم شدن ژاپن در جنگ جهانی دوم آتش جنگ داخلی در چین بار دیگر شعله‌ور شد. مائو تسه‌تونگ، رهبر کمونیست‌ها بنیان‌گذاری جمهوری خلق چین را اعلام کرد و ملی‌گرایان نیز در تایوان مستقر شدند.

یکی از دلایل انتقاد پیگیر از چین تا به امروز به ویژه از سوی تایوان این است که تا سال ۱۹۴۵ کشوری به نام جمهوری خلق چین وجود نداشت و از این رو تفسیر پکن از این رویداد «یک‌طرفه» است. تایوان خود را کشوری مستقل می‌داند، در حالی که چین آن را به رسمیت نشناخته و آن را متعلق به خود تلقی می‌کند.

این نمایش قدرت چند روز پس از آن انجام شد که شی در نشست امنیتی منطقه‌ای از ابتکار حکمرانی جهانی سخن گفت و خواستار وحدت علیه «هژمونی‌گرایی و سیاست قدرت» شد. به باور تحلیل‌گران، پکن این پیام را می‌فرستد که «چین پشت فرمان جهان نشسته است» و کانون بی‌ثباتی «یک‌جانبه‌گرایی ترامپی» است.

روسای جمهوری روسیه و چین در دیداری در پکن بر روابط حسنه دو کشور تأکید کردند. به گزارش خبرگزاری رسمی شینهوا، شی جین‌پینگ، رییس‌جمهوری و دبیرکل حزب کمونیست چین، امروز سه‌شنبه دوم سپتامبر-۱۱ شهریور، گفت که روابط دو کشور «از آزمون تحولات بین‌المللی سربلند بیرون آمده» و می‌تواند بیش از این گسترش یابد.

طبق همین گزارش، دو طرف بیش از ۲۰ توافق همکاری، از جمله در حوزه‌های انرژی، هوانوردی، هوش مصنوعی و کشاورزی، امضاء کردند.

به گفته کرمیلین، پوتین نیز گفته است که روابط روسیه و چین در «سطحی بی‌سابقه و بسیار بالا» قرار دارد.

در میان توافقاتی منعقدشده، ساخت یک خط لوله عظیم جدید گازی به چین نیز قرار دارد. بنا بر گزارش‌ها، شرکت دولتی گازپروم قرار است در قالب «قدرت سیبری ۲» طی ۳۰ سال بیش از ۵۰ میلیارد متر مکعب گاز تحویل چین دهد.

ظرفیت این خط تقریباً با لوله‌های نورداستریم در دریای بالتیک برابری می‌کند. این خط لوله‌ها هر یک می‌توانستند سالانه ۵۵ میلیارد متر مکعب گاز به آلمان منتقل کنند.



رژه در پکن: آیین حاکمیت و آغاز یک نظم نوین جهانی

صف‌های منظم سربازان، نمایش مدرن‌ترین جنگ‌افزارها و حضور رهبران نامحبوب جهانی. اما آیا این نمایش تنها یک رویداد نمادین است؟

به گفته کارشناسان، رژه پکن تنها نمایش قدرت نظامی نیست؛ بلکه بازتابی از شکل‌گیری یک محور ژئوپلیتیک تازه، جابه‌جایی مناسبات قدرت جهانی و بازتولید حاکمیت در آیین‌های نظامی است. در واقع، این مراسم آیینی است برای درک بحران سرمایه‌داری متاخر و صعود یک نظم چندقطبی جهانی که در آن قدرت‌ها نه در واشینگتن، بلکه در پایتخت‌های دیگری هم‌چون پکن و مسکو بازتعریف می‌شوند. در سوم سپتامبر ۲۰۲۵، به روایت رسمی پکن، ده‌ها هزار سرباز ارتش آزادی‌بخش خلق با گام‌هایی هماهنگ در میدان تیان‌آنمن رژه رفتند. پکن در این روز هشتمادمین سالگرد پیروزی بر ژاپن و پایان جنگ جهانی دوم را جشن می‌گیرد. شی جین‌پینگ در جایگاه میزبان، ولادیمیر پوتین، کیم جونگ‌اون و بیست‌وشش رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر یا نماینده عالی‌رتبه خارجی را می‌پذیرد. در این میان، رئیس‌جمهور ایران، مسعود پزشکیان نیز حضور دارد. «رژه پیروزی» بدین‌سان به صحنه نمایش محوری بدل می‌شود که در حال شکل‌گیری است و ساختار قدرت تحت سیطره غرب را به چالش می‌کشد.

این نمایش نظامی، از منطقی دوگانه پیروی می‌کند: در درون مرزها ابزاری است برای بازتولید وحدت ملی، و در برابر بیرون تکیه‌گاهی برای نمایش حاکمیت نظامی.

در سطح خطابه، این پیروزی بر فاشیسم و امپریالیسم جشن گرفته می‌شود؛ اما در سطح عینی و مادی، صدها هواگرد -از جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌ها گرفته تا سامانه‌های ابرصوت و پدافند ضدپهپادی- به نمایش درمی‌آیند. پیام روشن و قاطع است: صعود چین برگشت‌ناپذیر است و اکنون با پشتوانه‌ای نظامی تضمین شده است.

روسیه، که پس از جنگ اوکراین از سوی غرب منزوی شده و با کمبود آشکار نیرو و تجهیزات دست‌به‌گریبان است، از رهگذر نزدیکی به پکن و همکاری نظامی با پیونگ‌یانگ نشان خواهد داد که به حاشیه رانده نشده، بلکه همچنان بخشی از نظمی بدیل باقی می‌ماند. رژه‌های نظامی چیزی بسیار فراتر از نمایش سلاح و نظم ظاهری‌اند. آن‌ها آیین‌هایی‌اند که در آن دولت-ملت یکدیگر را بازمی‌شناسند و اقتدار متقابل خود را تثبیت می‌کنند. در منطق ماتریالیسم تاریخی، می‌توان آن‌ها را «بازتولید اجرایی نظم سیاسی» نامید؛ نه صرفاً بازتاب قدرت، بلکه کنشی که قدرت را می‌آفریند و دوباره زنده می‌کند. سربازانی که در صفوف هماهنگ از میدان می‌گذرند، تنها نمایشگر نیروی نظامی نیستند، بلکه پیکره‌هایی‌اند که سلسله‌مراتب اجتماعی و طبقاتی برخاسته از دل جامعه را مجسم می‌کنند. هماهنگی حرکات، یکسانی لباس‌ها، و ضریاهنگ یکنواخت گام‌ها، بازآفرینی همان رابطه‌ای است میان فرمان و اطاعت، میان سلطه و انقیاد. به زبان فوکو، این‌ها «بدن‌های مطیع»‌اند: بدن‌هایی که با انضباط و تکرار، خود به نشانه‌های زنده اقتدار بدل می‌شوند.

رژه نظامی نه سرگرمی که آیینی برای بازتولید سلطه است - همان چیزی که والتر بنیامین آن را «نمایش قدرت به‌مثابه کنش موسس» می‌نامید. با تکرار سالانه یا دوره‌ای، مرز میان مردم و حاکم بارها و بارها بازتولید می‌شود. هر بار که سربازان از میدان عبور می‌کنند، نه تنها قدرت دولت به نمایش درمی‌آید، بلکه خود «دولت-ملت» از نو ساخته و تثبیت می‌شود.

از زمان بحران مالی ۲۰۰۸، پایه‌های پروژه نئولیبرالی یکی پس از دیگری فرسوده شده‌اند: بحران‌های جهانی‌سازی، فاجعه‌های زیست‌محیطی و خیزش‌های اجتماعی. در این بستر، جنگ‌ها، تحریم‌ها و رژه‌های نظامی کارکردی تازه یافته‌اند: تثبیت سلطه‌های لرزان، برون‌فکنی تضادهای درونی و بازترسیم دوباره یک نقشه ژئوپلیتیک.

در سخن مشهور هگل، آمده است: «جهان پیشرفت در آگاهی آزادی است - صحنه‌ای که در آن روح به شناخت خویش می‌رسد.» در پرتو این گفته، وضعیت کنونی به‌منزله نشانه‌گذار جهان‌تاریخی دیده می‌شود؛ جایی که «زمانه» شکل‌های نوینی از قدرت و سلطه را پدید می‌آورد.

چین با این قدرت‌نمایی نظامی، خود را به‌عنوان قدرت رهبری «جنوب جهانی» معرفی می‌کند؛ روسیه توان نظامی‌اش را عرضه می‌کند؛ و کره شمالی و ایران نقش برهم‌زندگان ژئواستراتژیک را بر عهده می‌گیرند.

رژه نظامی پکن نشان می‌دهد که چگونه مرزهای جنگ و صلح، سیاست داخلی و خارجی، امنیت و سرکوب در هم فرو می‌ریزند. این رژه تجسم وضعیت استثنایی دائمی است که بر جهان سرمایه‌داری متاخر سایه انداخته است. برای حاکمان، جنگ نه تصادف که ابزار حکمرانی است؛ برای مردم، جنگ به معنای نظامی‌گری، انضباط و ترس.

پشت هر رژه نظامی با توپ و تانک و هواپیما، زنجیره‌هایی جهانی از تولید نهفته است. به عبارت دیگر، رژه نه تنها نمایش سلاح‌ها، بلکه تجسمی فشرده از کار انباشته است: مواد خامی که از معادن آفریقا بیرون کشیده شده، انرژی‌ای که از میدین روسیه آمده و کارگرانی که در کارخانه‌های چین آن را به محصول بدل کرده‌اند. رژه نشان می‌دهد که قدرت نظامی تا چه اندازه در تار و پود سرمایه‌داری تنیده شده است. آن‌چه بر سنگفرش تیان آنمن می‌درخشد، محصول مستقیم استثمار جهانی است. هزاران دست کار کرده‌اند، منابع جابه‌جا شده‌اند، و مناظر طبیعی زیر و رو شده‌اند تا توپ و تانک در زمین و پرند فولادی بر فراز آسمان ظاهر شوند.

از این منظر، صنعت تسلیح جهانی همواره بخشی از اقتصاد جهانی است. کارگرانی که در معادن آفریقا عناصر کمیاب را زیر شرایطی خطرناک استخراج می‌کنند، همان‌قدر در رژه حضور دارند که مهندسان آزمایشگاه‌های پیشرفته شرق آسیا. گاز و نفت روسیه، فولاد قزاقستان و میکروچیپ‌های آسیایی، همگی اجزای نامرئی «رقص آرابی قدرت» هستند. هر سلاحی که در برابر چشم‌ها از برابر جایگاه عبور می‌کند، نقطه تبلور اقتصادی جهانی است که بر استثمار، استخراج‌گری و دست‌اندازی‌های سرمایه‌داری بنا شده است.

افزون بر این، صنعت تسلیحات در سرمایه‌داری نقشی دوگانه دارد: از یک سو ابزاری برای تامین امنیت بیرونی است، و از سوی دیگر، موتور انباشت سرمایه. رژه‌ها در این معنا چیزی شبیه نمایشگاه‌های تبلیغاتی‌اند: جایی برای عرضه «پرفروش‌های آینده»؛ از پهباد گرفته تا موشک و تانک. در این جا تسلیحات به‌عنوان کالا عرضه می‌شوند و جنگ به منطق فروش. بدین‌سان، منافع قدرت دولتی و سود سرمایه‌دارانه با هم گره می‌خورند و جدایی‌ناپذیر می‌گردند.

از همین رو، رژه نظامی، هم‌زمان آیینی اقتصادی است که بگانگی سرمایه و قدرت را به صحنه می‌آورد. درخشش سرد فولاد سلاح‌ها تنها نشانه اقتدار نظامی نیست؛ بلکه نماد شیوه تولید سرمایه‌دارانه‌ای است که آن‌ها را پدید آورده است. از این منظر، رژه هم‌چون آینه‌ای است که جهان ناپیدای کارخانه‌ها، معادن و مسیرهای تجاری را بازمی‌تاباند؛ جهانی که در آن تقسیم کار جهانی و توسعه نامتوازن، بنیان واقعی قدرت نظامی را می‌سازند.

این رژه در زمانی برگزار می‌شود که جهان سراسر درگیر بحران اقلیمی است. در حالی که خشک‌سالی، سیلاب و کمبود منابع هر روز بیش‌تر می‌شود، دولت‌ها میلیاردها دلار برای تانک‌ها و موشک‌ها خرج می‌کنند.

هر پرواز بمب‌افکن و هر حرکت زره‌پوش نمادی است از مصرف افسارگسیخته سوخت‌های فسیلی. آیین نمایش قدرت هم‌زمان آیین تولید آلودگی است. تهدید واقعی -وضعیت اضطراری اقلیمی- زیر نقاب صحنه‌آرایی قدرت ژئوپولیتیک پنهان می‌شود.

وقتی دولت‌ها وضعیت استثنایی را عادی می‌سازند، نیاز به سیاستی از پایین آشکار می‌شود؛ سیاستی که چرخه نظامی‌گری را بشکند. معنای این سیاست، ایجاد شبکه‌های همبستگی جهانی است؛ همبستگی‌ای که نه بر محور وفاداری‌های ملی، بلکه بر تجربه‌های مشترک استثمار و سرکوب بنا شود. کارگران زن چینی، اعتصاب‌کنندگان ایرانی، سربازان فراری روس، مخالفان کره‌ای و ضدنظامی‌گرایان غربی همگی بخشی از جبهه‌ای مشترک‌اند در برابر نظامی که جنگ را به شیوه حکمرانی بدل کرده است.

چالش اصلی در غلبه بر شکاف‌هایی است که ملی‌گرایی و اقتدارگرایی پیوسته بازتولید می‌کنند. تنها زمانی که مردم مبارزات خود را به هم پیوند دهند -علیه ناامنی شغلی، پدرسالاری، نژادپرستی، ویرانی محیط زیست و جنگ- نیروی پدید خواهد آمد که از تانک‌های تیان آنمن نیز قدرتمندتر است.

رژه پکن نشانه‌ای است از برآمدن یک نظم چندقطبی جهانی.

پکن برای غزه چه می‌کند؟

در شرایطی که اسرائیل به ویرانگری در فلسطین ادامه می‌دهد، بسیاری آرزو دارند شاهد آن باشند که چین، برای نشان دادن قدرت بازوی خود در برابر تل آویو، با سوابق انترناسیونالیستی و ضد استعماری سال‌های گذشته خود، تجدید میثاق کند. چنین انتظاری اشتباه گرفتن نقشی که پکن در سال‌های پیش رو در صحنه بین‌المللی برای خود در نظر گرفته است نخواهد بود؟

از زمان شروع قتل‌عام اعمال شده در سرزمین‌های اشغالی فلسطین توسط ارتش اسرائیل، چین از تمام قطع‌نامه‌های سازمان ملل متحد، که خواستار آتش‌بس شده، حمایت کرده است.

اما در پس پرده این اظهارات قابل تامل، چین هم‌چنان به تجارت با تل آویو ادامه می‌دهد. این کشور پس از ایالات متحده، دومین شریک اقتصادی اسرائیل، و اولین منبع واردات آن به شمار می‌رود. از سال ۲۰۲۱، شرکت چینی که مدیریت بندر بین‌المللی شانگهای انجام می‌دهد، هم‌چنین کنترل یک ترمینال اتوماتیک کانتینرها در حیفا را در اختیار دارد. چنین نفوذی بدون شک به غول آسیایی این امکان را می‌داد که بر مخاصمات جاری تأثیری بیش از این داشته باشد. به نظر الی فرید من، استاد دانشگاه کورنل، این نگرش نشان می‌دهد که «آزادی فلسطین به‌طور واقعی موضوع مورد اهمیتی برای چین به شمار نمی‌رود. با این حال، این نوع خوانش برای تجزیه و تحلیل روند مواضع چین از انترناسیونالیسم ضد استعماری دوران سرآغاز جمهوری خلق (۱۹۴۹) تا بی‌عملی مورد سرزنش و انتقاد امروز این کشور، کافی نیست.

در مجموع، کشتار جنون‌آمیز اعمال شده از سوی اسرائیل بر علیه مردم فلسطین، برای تغییر دادن اولویت‌های چین که مهم‌ترین آن‌ها تامین ثبات داخلی است. مهم‌تر از همه، اصطلاح «نسل‌کشی» توسط مقام‌های دولتی و رسانه‌های رسمی چین مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

اقتصاد چین

اقتصاد چین در دهه‌های اخیر شاهد رشد سریع صنعتی و تجارت بین‌المللی بوده و تبدیل به یک قدرت نوآوری و تولیدکننده بزرگ جهان شده است. این رشد فرصت‌های شغلی فراوانی در صنایع مختلف ایجاد کرده است. کارگران در چین، گرچه با فشار کار فزاینده روبه‌رو هستند اما از مزایایی مانند بیمه اجتماعی، مرخصی با حقوق، و کمک هزینه مسکن برخوردارند. در عین حال، اضافه کاری امری رایج است و شرایط کار بر اساس موقعیت و صنعت متفاوت است.

طبق برآوردهای وزارت آموزش چین کمبود نیروی کار در بخش کارخانه‌های این کشور تا سال ۲۰۲۵ بالغ بر ۳۰ میلیون کارگر خواهد شد؛ یعنی چیزی بیش‌تر از جمعیت کنونی کشوری مثل استرالیا.

کار در کارخانه تا همین چند سال پیش بهترین راه نجات از فقر و روستانشینی در چین بود. کارگری در کارخانه برای نسل قبلی چین نه یک رویا که یک تضمین بود. آمار و ارقام نشان می‌دهد که چین تولیدکننده یک سوم کالاهای مصرفی در کل دنیا است.

روسای شرکت‌ها و کارخانه‌های تولیدی در چین، ضرورتاً باید جای نیروهای پیر و سالخورده خود را جوانان بگیرند. محرکه‌ای که بی‌شک می‌تواند سرعت تولید را بیش از پیش بالا ببرد. اما مشکل از نظر روسا این است که اگر بخواهند در دستمزدها تجدیدنظر کنند و شرایط کاری برای افرادی که استخدام می‌شوند را بهبود بدهند، قدرت رقابت‌پذیری و برگ‌برنده خود در تولید نسبت به رقبای غربی را از دست می‌دهند.

هم‌زمان سیاست‌گذاران چینی بر اتوماتیک شدن دستگاه‌ها و ارتقای صنعتی به‌عنوان راه‌حلی برای ترمیم نیروی کار سالخورده تاکید دارند. شاید تولیدکنندگان هم باید با پیشنهاد دستمزد بالاتر، حاشیه سود بیش‌تر را قربانی کنند. اما واقعیت این است که مشکل به این‌جا ختم نمی‌شود. مدیر یک کارخانه چینی به رویترز می‌گوید حتی حاضر شده ۵ درصد حقوق کارگران خود را بالا ببرد، اما برخورد کارگران با این پیشنهاد سرد بوده است. او اوضاع امروز را مشابه فضای حاکم بر فیلم معروف «عصرجدید» اثر جاودانی چارلی چاپلین می‌داند.

اتوماتیزه شدن صنایع هم تابع محدودیت‌های خاص خودش است. علاوه بر پرهزینه بودن، چین بیش از ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد که باید کار داشته باشند. با این حال، استفاده از ربات به‌طرز چشم‌گیری در بخش‌های صنعتی و خدماتی این کشور افزایش داشته است. این میزان تنها در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال قبل از آن ۴۴ درصد رشد داشت.

واقعیت این است که حفظ وضع موجود با آرزوهای نسلی از چینی‌های تحصیل‌کرده‌تر برای زندگی راحت‌تر و بهره‌مندی از شرایط مناسب کار، زمان خواب و استراحت کافی و هم‌چنین وعده غذایی مناسب و متفاوت با آنچه والدین‌شان تجربه کرده‌اند، در تضاد است.

امروزه کشور چین، به کارگاه جهان و موتور رشد پیشرو در اقتصاد جهانی تبدیل شده است. نیروی کار بسیار زیاد آن حدود بیست و نه درصد از کل نیروی کار جهان را تشکیل می‌دهد. برای دریافت مجور کار در چین لازم است حداقل ۱۸ سال داشت و دارای سابقه حرفه و تجربه مرتبط بود که دریافت این مجوز ۱۰ روز زمان می‌برد. برای کار کردن در چین حتماً باید ویزای Z داشت و متوسط درآمد در چین از ۱۳۷۴۴ الی ۲۴۲۷۲۰ دلار است.

طبق قانون کار چین، زمان کار استاندارد در این کشور ۴۰ ساعت در هفته است. هفته کاری استاندارد در چین از دوشنبه تا جمعه از ساعت ۹ صبح تا ۶ بعد از ظهر است. اما در واقع، اضافه کاری یک امر عادی است و اکثر شرکت‌های محلی برای کارگران خود اضافه کار در نظر می‌گیرند.

همه کارکنان کشور چین در روزهای سال نو چینی (معمولاً در اواخر ژانویه یا اواخر فوریه)، روز جهانی کارگر (هفته اول ماه مه) و روز ملی (هفته اول اکتبر) تعطیل هستند.

طبق قوانین چین، اضافه کاری باید به یک ساعت در روز محدود شود. فقط در شرایط خاص، اضافه کاری می‌تواند به سه ساعت در روز افزایش یابد، البته مشروط بر این‌که سلامت کارمند تحت تاثیر قرار نگیرد. هم‌چنین مجموع اضافه کار ماهانه نباید بیش از ۳۶ ساعت باشد. کارفرمایان ملزم به پرداخت غرامت اضافی به کارکنان تحت سیستم استاندارد ساعات کار هستند، اما کارکنان تحت سیستم ساعت کاری منعطف حق دریافت غرامت اضافه کاری را ندارند. حقوق اضافه کاری عموماً یک و نیم برابر بیشتر از حقوق ثابت یک ساعت کارمند است.

به‌طور کلی حقوق و دستمزد به موقعیت و صنعت شما در کشور چین بستگی دارد، ولی متوسط درآمد در چین از ۸۸۹۰۰ الی ۱۵۷۰۰۰۰ یوآن (از ۱۳۷۴۴ الی ۲۴۲۷۲۰ دلار) است امتیازاتی که برای کارمندان چینی در نظر گرفته می‌شود شامل این موارد است:

معمولاً کارفرمایان کمک هزینه‌ای برای مسکن کارمندان خود در نظر می‌گیرند و حق بیمه تامین اجتماعی برای کارمندان پرداخت می‌شود. در مواردی چون ازدواج، فوت اقوام، بیماری، آسیب‌دیدگی، تصادف و زایمان حدود ۳ الی ۵ هفته مرخصی با حقوق برای کارمندان در نظر گرفته می‌شود.

هم‌چنین بلیط رفت و برگشت یک‌بار در سال، مراقبت‌های بهداشتی استاندارد، پوشش مالیاتی، پوشش هزینه حمل و نقل و سایر هزینه‌ها و آموزش‌های مورد نیاز (به‌عنوان مثال: آموزش زبان انگلیسی) نیز از مزایای کار در کشور چین است. کارمندان سطح بالا، اغلب تلفن همراه و ماشین و یا راننده دریافت می‌کنند. در نهایت حقوق بازنشستگی معمولاً برای اکثر مشاغل ارائه می‌شود.

مشاغل که اکثر خارجی‌ها در کشور چین انجام می‌دهند شامل مدرس زبان انگلیسی، مشاغل مهندسی، مشاغل IT، مشاغل مدیریتی و مشاغل تبلیغاتی است.

بازار کار چین، طی ۷۰ سال گذشته دست‌خوش تغییرات عمیقی شده است و در دهه‌های آینده نیز با افزایش جمعیت و اعمال اصلاحات جدید توسط دولت، این تغییرات ادامه خواهد یافت. چین یک کشور بسیار قدرتمند است و روزبه‌روز بازار کار آن در زمینه‌های صنعتی و الکترونیکی پیشرفت می‌کند.

با کاهش جمعیت در سن کار که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ به ۷۰۰ میلیون نفر برسد و عدم تمایل نسل جوان به کارهای سخت و تکراری، حتی کارخانه‌های پیشرفته نیز با بحران نیروی انسانی مواجه‌اند. چین اکنون نه تنها باید تولید خود را حفظ کند، بلکه باید راهکاری برای حل بحران کاهش جمعیت بیابد.

کارگران مهاجر، که بیش‌تر آن‌ها فاقد مهارت‌های جدید هستند، در معرض بیکاری گسترده قرار دارند. این روند می‌تواند به افزایش نارضایتی اجتماعی و حتی بی‌ثباتی سیاسی منجر شود. کارشناسان هشدار می‌دهند که بدون برنامه‌های حمایتی و مهارت‌آموزی، این گروه از کارگران می‌توانند به یکی از محرک‌های تنش‌های اجتماعی در آینده تبدیل شوند.

نتیجه‌گیری

نشست امسال شانگهای بیش از هر چیز محلی است برای سنجش این که آیا این بلوک واقعا می‌تواند بدیلی برای نهادهای تحت رهبری غرب ارائه دهد یا هم‌چنان عرصه‌ای خواهد بود برای رقابت‌ها و مصلحت‌جویی‌های ملی.

سازمان همکاری شانگهای به محلی نمادین برای رهبران جهت تقویت شراکت‌ها و تاثیرگذاری بر هنجارهای سیاسی و اجتماعی بیرون از نظم جهانی غربی بدل شده است، اما اختلافات داخلی هم‌چنان نقطه‌ضعف اصلی آن است. نمونه‌اش امتناع هند از محکوم کردن حملات اسرائیل به ایران در نشست وزیران دفاع بود.

یونس شریفلی، پژوهش‌گر مهمان در «پروژه چین و جنوب جهانی»، به رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی گفت: «با توجه به فشار فزاینده آمریکا بر چین، هند و روسیه، اکنون این نشست آزمونی خواهد بود برای این که ببینیم سازمان همکاری شانگهای می‌تواند به‌عنوان یک نهاد منسجم عمل کند یا هم‌چنان یک سکوی پراکنده باقی خواهد ماند که بیشتر با منافع ملی کشورها هدایت می‌شود.»

سازمان همکاری شانگهای که در سال ۲۰۰۱ با محوریت امنیت منطقه‌ای و مقابله با نفوذ غرب شکل گرفت، ابتدا متشکل از روسیه، چین و چند کشور آسیای میانه بود و ایران پس از سال‌ها حضور به‌عنوان ناظر، در سال ۱۴۰۰ به عضویت دائم آن درآمد.

سازمان همکاری شانگهای (SCO) شامل چین، روسیه، هند، پاکستان، ایران، تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان، قزاقستان و بلاروس است. این سازمان مجموعاً بیش از نیمی از جمعیت جهان و ۴۰ درصد مساحت خشکی زمین را در بر می‌گیرد و موقعیت جغرافیایی آن شامل آسیای مرکزی، شرق آسیا، جنوب آسیا و بخش‌هایی از اروپای شرقی می‌شود.

جمعیت:

سازمان همکاری شانگهای با داشتن بیش از ۳/۵ میلیارد نفر جمعیت، حدود نیمی از جمعیت کل جهان را در خود جای داده است. بزرگ‌ترین اعضا از نظر جمعیتی، چین و هند هستند که به تنهایی بیش از ۲/۵ میلیارد نفر جمعیت دارند.

موقعیت‌های جغرافیایی متنوع اعضا، از جمله دسترسی به اقیانوس‌های آرام، هند و دریای خزر، این سازمان را به یک قطب مهم در تجارت و اقتصاد جهانی تبدیل کرده است.

موقعیت در آسیای مرکزی و همجواری با مناطق کلیدی مانند خاورمیانه و خاور دور، اهمیت استراتژیک بالایی را برای این سازمان فراهم می‌کند.

هم‌زمان، بیش‌تر کشورها در این بلوک‌ها روابط گسترده‌ای هم با آمریکا و اروپا دارند؛ نکته‌ای که نشان می‌دهد برخلاف روایت تهران، شانگهای و بریکس برای آن‌ها بیش‌تر ابزار تنوع‌بخشی و افزایش قدرت مانور است تا جایگزینی واقعی برای غرب.

امروزه این سازمان ۹ عضو دائم دارد: ایران، چین، روسیه، هند، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان. افغانستان، بلاروس و مغولستان نیز اعضای ناظر آن هستند. اما سهم ایران از تجارت با اعضا ناچیز است.

علاوه بر این، کشورهای چین، روسیه، هند، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان می‌توانند بر نفوذ و وزن ژئوپلیتیکی شانگهای در آینده بیفزایند.

چین در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماسی، آهسته و پی‌سروصدا و بدون جنجال و هیاهو حرکت می‌کند و با اعتماد به نفسی فعالیت‌های خود را در همه عرصه‌های فوق به فعالیت‌های پیگیر خود ادامه می‌دهد. چین به معنای واقعی، تعادل نظم نوین جهانی کنونی را به هم زده است و بیش از همه، ایالات متحده آمریکا را نگران کرده است.

چهارشنبه دوازدهم شهریور ۱۴۰۴ - سوم سپتامبر ۲۰۲۵